


نوع مقاله: ترویجی

تبیین ابعاد شخصیتی سعیدبن جبیر

کلیه یحیی نورمحمدی نجفآبادی / استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، همدان

normohamadi126@gmail.com

 orcid.org/0000-0002-4497-4769

noormohamadi032@gmail.com

محبوبه نورمحمدی نجفآبادی / طلبه سطح سه مدرسه معصومیه قم

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱

چکیده

پرداختن به زندگی صحابی ائمه اطهار علیهم السلام می تواند به روشن شدن شرایط حاکم بر جامعه اسلامی در دوران ائمه علیهم السلام و نیز نقش تربیتی ائمه علیهم السلام بینجامد. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی ابعاد شخصیتی سعیدبن جبیر مورد بررسی قرار گرفته است. وی یکی از شیعیان خاص امام سجاد علیه السلام بود که در ابعاد گوناگون در دوره آن حضرت نقش آفرینی کرد و سرانجام به دستور حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید. وی از جهت علمی (تفسیر، قرائت و...) و عملی مورد تمجید علمای شیعه و سنی است. سعید با توجه به شرایط جامعه اسلامی عصر خود (دوره حکومت امویان)، نقش قابل توجهی را ایفا کرد. در بعد سیاسی و اجتماعی به پذیرفتن همکاری با دستگاه قضا و نیز مشارکت در شورش ابن اشعث علیه حجاج، می توان اشاره کرد. در بعد فکری و فرهنگی نیز سعید به شکل های مختلف با افکار انحرافی مقابله کرد. وی سرانجام به واسطه پافشاری بر اعتقاداتش، به شهادت رسید.

کلیدواژه ها: سعیدبن جبیر، اصحاب امام سجاد علیه السلام، تبیین شخصیت، اوضاع شیعیان.

مقدمه

در مکتب اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} شاگردانی تربیت یافتند که در دوران‌های گوناگون از زندگی خویش، همانند اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی، نقش‌های سازنده‌ای را در پیشبرد اهداف و برنامه‌های اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} در تعالی و بالندگی و اصلاح و هدایت جامعه ایفا می‌کردند.

یکی از این شاگردان برجسته، سعیدبن جبیربن هشام اسدی والبی کوفی مکی تابعی (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۹۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۹۷؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۶ ص ۳۹؛ زرکلی، ۱۹۹۰، ج ۸، ص ۱۰۹) است که از تابعین و شخصیت‌های بزرگ صدر اسلام و پرورش‌یافتگان مکتب ولایت حضرت امام سجاد^{علیه‌السلام} است. وی به احتمال زیاد در سال ۴۵ قمری در شهر کوفه به دنیا آمد و در سال ۹۵ قمری در واسط، حوالی شهر بغداد به شهادت رسید و در همان جا هم مدفون گشت. امروزه برای این صحابی جلیل‌القدر، مرقدی در شهرستان الحی ۴۰ کیلومتری جنوب استان واسط (کوت) بنا شده است. شیعیان و محبین در عراق روز ۲۷ ذی‌الحجه مصادف با روزی که به دستور حجاج ثقفی سعید را از مکه دست بسته به شهر واسط (کوت) منتقل کردند، به زیارت این صحابی اختصاص داده‌اند. تمام عمر بابرکت سعید در دوران خفقان و فشار دستگاه بنی‌امیه، به‌ویژه پس از واقعه کربلا که جامعه اسلامی دچار بحران‌های متعدد و تشنیت فرهنگی گشته بود، قرار داشته است؛ دوره‌ای که به لحاظ انحرافات سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی در تاریخ اسلام تا آن زمان بی‌نظیر بوده است.

پرداختن به زندگی سعیدبن جبیر، علاوه بر اینکه به روشن شدن فضای سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی دوران امام سجاد^{علیه‌السلام} به‌عنوان یکی از مقاطع حساس از تاریخ تشیع، و نیز نقش تربیتی و مدیریت فرهنگی و اجتماعی امام سجاد^{علیه‌السلام} در یکی از سخت‌ترین دوران‌های امامت ائمه^{علیهم‌السلام} می‌تواند ارائه‌کننده یک الگوی مناسب و عینی برای شیعیان در دوران حاضر نیز باشد. از این‌رو تحقیق درباره ابعاد شخصیت وی، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحقیقات و پژوهش‌هایی نیز تاکنون در این باره صورت پذیرفته است؛ مانند:

پایان‌نامه **تفسیر سعیدبن جبیر و نقش آن در تطور تفسیر** (ترندک، ۱۳۷۸)؛

رساله دکتري **بررسی جوانب مختلف تفسیر سعیدبن جبیر** (قاسم‌نژاد، بی‌تا)؛

پایان‌نامه **مقایسه روایات تفسیری سعیدبن جبیر با روایات منقول از ائمه^{علیهم‌السلام} صحابه و تابعین** (گوهری فخرآبادی، ۱۳۸۹)؛

مقاله «گفتمان کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ بازپژوهی اندیشه‌های تفسیری سعیدبن جبیر» (راد و ولایتی، ۱۳۹۷).

اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عمده پژوهش‌های صورت گرفته درباره سعیدبن جبیر، به بعد تفسیری و بررسی آراء و آثار تفسیری وی اختصاص دارند و سایر ابعاد شخصیتی وی، (از قبیل بعد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره)، مورد غفلت قرار گرفته‌اند. بنابراین با توجه به فقدان تحقیقی جامع و کامل درباره ابعاد شخصیت و نقش سعیدبن جبیر؛ انجام تحقیق در این باره را ضروری می‌نماید.

از این‌رو در این مقاله درصدد بررسی نقش و شخصیت سعیدبن جبیر در ابعاد سیاسی - اجتماعی و نیز فعالیت‌های فکری - فرهنگی هستیم و اینکه مذهب او چیست و جایگاه وی نزد اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} چگونه بوده است؟ این مقاله از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی است و به لحاظ شیوه جمع‌آوری مطالب، به روش گردآوری کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱. مذهب سعیدبن جبیر

درباره مذهب سعیدبن جبیر، دو دیدگاه عمده در میان تاریخ‌پژوهان و صاحب‌نظران در تاریخ اسلام مطرح است: ۱) برخی با این ادعا که سعید در فتاوی‌اش اهل اجتهاد بوده و از اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} پیروی نمی‌کرده است، منکر مذهب تشیع وی شده‌اند. ایشان برای تقویت ادعای خود، عدم نقل روایت توسط سعیدبن جبیر از ائمه معاصرش را مطرح کرده‌اند (خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۵۲). ۲) دیدگاه دوم بر شیعه بودن سعید اصرار دارند و ادعای غیرشیعی بودن وی را صحیح نمی‌دانند. به اعتقاد ایشان اولاً این برهه از زمان که سعیدبن جبیر در آن حیات داشت، یکی از سخت‌ترین برهه‌های تاریخ برای شیعیان بوده؛ تا آنجا که «زندیق» بودن فرد، فشارهای کمتری برای او نسبت به «شیعه» بودن او به‌همراه داشته‌است (حیدر، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۵۱). ثانیاً در بررسی محتوای روایاتی که درباره اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} از سعیدبن جبیر نقل شده است (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۶)، به‌دست می‌آید که به ولایت علی بن ابی‌طالب^{علیه‌السلام} و فرزندان آن حضرت معتقد بوده است. همچنین تفسیر سعید نیز بسیار صبغه شیعی دارد و این موضوع می‌تواند شیعه‌بودن وی را اثبات کند (گوهری فخرآبادی،

از میان تمامی این صحابه و اساتید، اولین و مهم‌ترین استاد سعید بن جبیر، عبدالله بن عباس است. از میان هفتصد و بیست روایتی که سعید از اساتیدش نقل کرده، متجاوز از ششصد و هفتاد روایت آن نقل از ابن عباس است (ترندک، ۱۳۷۸، ص ۱۹). سعید در محضر ابن عباس به فراگیری «قرآن»، «تفسیر»، «حدیث» و سایر علوم و معارف اسلامی پرداخته است. ارتباط ابن عباس با سعید بن جبیر در طی سه مرحله صورت گرفته است: مرحله اول، با وارد شدن سعید به محفل درس ابن عباس برای تحصیل در سن نوجوانی آغاز می‌شود. مرحله دوم، کشف نبوغ و استعداد سعید بن جبیر توسط ابن عباس. مرحله سوم، اعتماد ابن عباس به سعید و ارتقاء درجه وی به «ثقة المطلق» و اجازه نقل احادیثش برای دیگران (اصبهانی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۷۳).

سعید بن جبیر همان‌طور که خود شیفته تحصیل و از مشتاقان کسب علم بود، نسبت به آموزش دانش و شاگردپروری نیز اهتمام داشت. براساس سلسله اسناد روایات تفسیری سعید بن جبیر در تفسیر طبری، اسامی شاگردان وی ۱۲۶ نفر هستند (ترندک، ۱۳۷۸، ص ۲۵-۲۲). البته مزی نام ۱۰۰ نفر از این روایان را ذکر کرده که اسامی ۴۳ نفر از آنها در طریق روایات تفسیر طبری موجود است (مزی، ۱۹۹۴، ج ۷، ص ۱۴۳-۱۴۴).

۲-۱. زمینه‌های علمی

الف. علم تفسیر

یکی از علوم رایج در دوره سعید بن جبیر، دانش تفسیر بوده است. سعید بن جبیر نیز در این زمینه نسبت به سایر علوم، فعالیت بیشتری داشته، و از مفسرین مطرح و مشهور در زمان خود بوده است. از بررسی‌های تاریخی به دست می‌آید که سعید خود دارای کتاب تفسیری بوده است؛ بلکه طبق برخی نقل‌ها، پیش از آن، کتاب تفسیری دیگری وجود نداشته است (ابن ندیم، ۱۳۶۶، ص ۵۹؛ نوری، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۴۱؛ اصبهانی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۸۳-۲۸۹؛ رازی، ۱۹۵۲، ج ۶، ص ۳۳۲؛ آقابزرگ، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۴۱ و ۲۵۰). ظاهراً از سعید غیر از کتاب تفسیر، اثر و تألیف دیگری در تراجم نقل نشده است (امین، ۱۳۶۷، ص ۲۳۶). از ویژگی‌های تفسیر سعید که در منابع به آن اشاره شده، سادگی و وضوح شدید، واژه‌گزینی و معادل‌یابی، اهتمام به ذکر اسباب نزول، ذکر مبهمات و بیان اسرائیلیات است (ترندک، ۱۳۷۸، ص ۴۵-۴۱).

۱۳۸۹، ص ۱۲۸-۱۲۷). به‌عنوان نمونه، ایشان درباره آیه شریفه «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن: ۱۹-۲۲) این‌گونه تفسیر کرده است: «بحرین» حضرت علی و فاطمه علیهم‌السلام هستند و «برزخ» حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، و «لؤلؤ و مرجان» در آیه شریفه، حضرت امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام هستند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۰، ج ۱۲، ص ۲۵۴). نمونه دیگر اینکه در تفسیر آیه ۱۹۶ سوره «بقره» کلمه «اتموا» را که ابن عباس به معنای «به‌پایان رسانید» گرفته است؛ سعید مطابق قول امیرمؤمنان و امام سجاد علیهم‌السلام این کلمه را به معنای «قیموا» (به‌پا دارید) معنا کرده است (قاسم‌نژاد، بی‌تا، ص ۱۲-۱۳). همچنین علی‌رغم وجود برخی فتاوی منتسب به سعید که با فقه اهل سنت سازگاری دارد، که در صورت صحت انتساب، می‌توان آنها را حمل بر تقیه کرد؛ برخی فتاوی سعید بن جبیر، از جمله فتوا به حلیت متعه را می‌توان شاهدی بر اعتقادات شیعی او دانست. ثالثاً برخی محققان، مانند عطاردی سعید بن جبیر را جزء شاگردان امام سجاد علیهم‌السلام و مدافعان آن حضرت دانسته‌اند (عطاردی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۵۶). حتی برخی او را جزء پنج صحابی خاص حضرت معرفی کرده‌اند (طوسی، ۱۴۲۸، ص ۷۶). روایات متعددی نیز بر جایگاه و منزلت ویژه او نزد اهل‌بیت علیهم‌السلام دلالت دارند (کشی، ۱۴۳۰، ص ۹۳). علاوه بر اینکه جایگاه والای او نزد علمای شیعه، شیعی بودن مذهب او را تأیید می‌کند.

۲. بعد علمی سعید بن جبیر

هنگامی که پدر سعید، استعداد و توانایی‌های علمی فرزند خویش را دریافت؛ او را راهی مدینه کرد تا در آنجا از محضر بزرگان و صحابه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بهره‌مند گردد (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۷۱۱). سعید در مدینه از محفل درس صحابی متعددی بهره برده است. اصبهانی از علی بن ابی‌طالب علیهم‌السلام، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو بن العاص، عبدالله بن زبیر بن عوام، عبدالله بن قیس، ابوموسی اشعری، به‌عنوان مشایخ سعید بن جبیر نام می‌برد (اصبهانی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۷۳). مزی نیز در این باره علاوه بر صحابی فوق، تعداد دیگری را نیز یاد کرده است که عبارتند از: انس بن مالک، ضحاک بن قیس الفهری، عمر بن میمون الاودی، ابی سعید الخدری، ابی عبدالرحمن سلمی، ابویوب الانصاری، عایشه (مزی، ۱۹۹۴، ج ۷، ص ۱۴۲).

ب. علم قرائت

سعیدبن جبیر از عالمان علم قراءات است که قرائت را از ابن عباس اخذ کرده است. همچنین وی قرائت صحابه را جمع‌آوری کرده و در برخی موارد، خود صاحب قرائت بوده است (ابن خلکان، ۱۹۹۴، ج ۲، ص ۳۷۱؛ ذهبی، ۱۹۸۰، ج ۶ ص ۳۶۹؛ راجعی، ۱۹۶۹، ص ۷۹).

ج. علم فقه

تسلط سعید به علمی مانند تفسیر و حدیث، او را به یک فقیه مرجع، جامع و برجسته تبدیل کرده بود (قسوی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۷۱۳؛ بخاری، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۱۱ و ۴۱۲)؛ به گونه‌ای که ابن عباس نیز مردم را به سعید ارجاع می‌داده است (ابن کثیر، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۹۷).

د. علم حدیث

روایات فراوانی از سعید در منابع روایی موجود است که نشان از دانش گسترده او در علم حدیث است. بیش از ۱۸۴ روایت از امام سجاده^ع و ۱۹۴ روایت از عبدالله ابن عباس، نمونه‌ای از این روایات است (ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ج ۶ ص ۴۷۳ و ۴۷۶). بخش زیادی از روایات وی درباره ولایت و فضایل اهل بیت^ع هستند (طبری، ۱۳۵۳، ج ۴، ص ۱۳۲۰؛ عالمی دامغانی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۸۶).

۳. بعد عبادی سعیدبن جبیر

نقل‌های متعددی درباره کمیت و کیفیت اعمال عبادی سعید در نماز (ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ج ۶ ص ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۹۱)، حج (اصبهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۵؛ ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ج ۶ ص ۴۸۸ و ۴۹۰)، شب‌زنده‌داری و تضرع و خشیت (ابن جوزی، ۱۴۳۳ق، ج ۷، ص ۶؛ اصبهانی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۷۲)، قرائت قرآن (اصبهانی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۷۲؛ ابن خلکان، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۲۸۸) وجود دارد که بر برجستگی بعد عبادی او دلالت دارند. مثلاً در روایتی از وی نقل شده است: «یکبار در بیت‌الله الحرام، تمام قرآن مجید را در یک رکعت تلاوت کردم» (ذهبی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۶۶). تجدد و عبادت او به گونه‌ای بود که برخی به وی لقب «فقیه‌الکماء» (دانشمند بسیار گریبان) داده‌اند (اصبهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۲).

از بارزترین سجایای اخلاقی سعید توکل وی بر خداوند (اصبهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۱ و ۲۷۲) و عزت نفس او (سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۶۲۱) می‌توان اشاره کرد.

۴. بعد سیاسی - اجتماعی سعیدبن جبیر

دوران زندگی حدوداً ۴۹ ساله سعیدبن جبیر، هم‌زمان با حکومت امویان (معاویة بن ابی سفیان، یزیدبن معاویة، معاویة بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان، ولیدبن عبدالملک بن مروان) (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۳۴-۲۳۵) و عصری متفاوت از عصر ماقبل آن، یعنی دوره خلفای راشدین بود. با روی کار آمدن امویان، بدعت‌هایی منفی در زمینه‌های سیاسی - اجتماعی در جامعه اسلامی نهادینه گشت (عمدتاً توسط معاویة)؛ بدعت‌هایی که نه تنها در دوران امویان، بلکه پاره‌ای از آنها در دوران عباسیان نیز تداوم یافت. برخی از این بدعت‌ها عبارتند از: الف) تبدیل حکومت و خلافت اسلامی به نظام سلطنتی و ایجاد تغییر در ماهیت نظام حکومتی؛ ب) تبدیل جامعه اسلامی به یک جامعه طبقاتی؛ ۱. طبقه اشراف (خلفای اموی، درباریان و وابستگان آنها، رؤسای قبایل عرب و...)، ۲. طبقه متوسط (عرب‌ها)، ۳. طبقه موالی (افراد غیرعربی که در جنگ با مسلمانان شرکت نکرده بودند؛ اما با فتح سرزمین‌های آنها، جزء بندگان به‌شمار می‌آمدند؛ نامسلمانان غیرعرب که با پذیرش اسلام، از بندگی رهایی می‌یافتند؛ افراد ایرانی و غیرعرب که برای به‌دست آوردن موقعیت برتر، با بستن پیمان «ولاء» تحت حمایت یک فرد سرشناس یا یک قبیله از قبایل عرب قرار می‌گرفتند). موالیان شهروند درجه دوم محسوب می‌شدند و از حقوق شهروندی محروم بودند. احساسات ضدموالی در زمان عمر آشکار شد؛ و معاویة برتری عرب بر غیرعرب در جامعه اسلامی را رواج داد و برای عجم در صورت تخلف، مجازات‌های ناعادلانه وضع کرد. ۴. طبقه بردگان که محروم‌ترین طبقه جامعه بودند (چلونگر و اصغری، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲). ج) جایگزینی دنیاپرستی، هواپرستی، اشرافیت‌گرایی و سکونت در قصرهای مجلل ساخته‌شده از سنگ‌های گران‌قیمت و طلا و جواهر، به‌جای زهد و ساده‌زیستی دوران پیامبر^ص و خلفای راشدین (حسن، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۸-۴۳۹). د) مسلط کردن حاکمان ظالم و مستبد و فاسد بر مسلمانان (نمونه بارز آن، حجاج بن یوسف ثقفی است) که با رواج بی‌عدالتی و دامن زدن به تفاوت‌های نژادی و اختلافات قومی و قبیله‌ای، قدرت اجتماعی مردم را تضعیف می‌کردند، تا در برابر حکومت ناحق و ظالمانه آنها توان صف‌آرایی و مقابله نداشته باشند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶، ص ۳۳۸).

اما با همه این احوال، مصلحان و برخی شخصیت‌های آن عصر،

جمامج دو سپاه با هم روبه‌رو شدند و با یکدیگر به مبارزه پرداختند. در اثنای جنگ، سعید بن جبیر به هم‌زمانش توصیه می‌کرد و می‌گفت: «با ایشان جنگ کنید و آنها را بکشید که در حکومت ستم می‌کنند و از دین بیرون شده‌اند و بر بندگان خدا گردن‌کشی می‌کنند، نماز را از میان برده و مسلمانان را به خواری کشیده‌اند» (اصبهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۹۰). عاقبت به گفته سعید، چیزی جز آنچه خداوند اراده کرده بود، محقق نشد (کاتب واقدی، ۱۳۷۹، ج ۶ ص ۷۱۷) و ابن‌شعث شکست خورد و به پادشاه رتبیل پناهنده شد. بعد از مدتی که حجاج از پناهندگی ابن‌شعث آگاه شد، از پادشاه رتبیل خواست که وی را تسلیم کند. در ابتدا پادشاه رتبیل در خواست حجاج را نپذیرفت؛ لکن با پدید آمدن شرایطی، ابن‌شعث را در بند کرد و برای حجاج فرستاد. در بین راه ابن‌شعث از بالای بامی خود را به پایین انداخت و مُرد. سر او را از بدنش جدا کردند و برای حجاج و سپس برای عبدالملک فرستادند. این جنگ از سال ۸۰ تا ۸۴ هجری به مدت چهار سال به طول انجامید (طبری، ۱۳۵۳، ج ۵، ص ۱۶۲-۱۸۵). پس از شکست ابن‌شعث از حجاج و گریختن و پناهنده شدن وی به پادشاه رتبیل، لشکر او نیز از هم گسست و پراکنده شد. سعید بن جبیر نیز گریخت و در ابتدا به قم، که در آن زمان از توابع اصفهان به‌شمار می‌رفت، پناه برد و به قریه جمکران نزد عرب‌های بنی‌اسد که خوشاوند او بودند، اقامت گزید و شش ماه در آنجا بود (مالک اشعری قمی، ۱۳۵۸، ص ۱۱۵-۱۱۶). پس از اینکه حجاج از محل اقامت سعید آگاه شد، از کارگزار خود در اصفهان خواست تا سعید را دستگیر و نزد وی بفرستد. از آنجاکه حاکم اصفهان خوش نداشت که سعید بن جبیر دستگیر شود؛ مخفیانه به او خبر داد تا از آنجا فرار کند. سعید بن جبیر نیز به آذربایجان رفت و پس از گذشت چند سال به مکه آمد. هنگامی که خالد قسری که فردی زندق و بدکردار و از مادر نصرانی زاده شده بود (ابن خلکان، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۴۲)، حاکم مکه شد، از سعید بن جبیر خواسته شد تا از مکه بگریزد. سعید در پاسخ به آنها گفت: «آن قدر گریخته‌ام و در به در شده‌ام که از خدا شرم دارم و تا کی باید مرا پناه دهد و نگهدارد؟ اکنون باید به قضا و قدر الهی تن دهم و هر چه سرنوشتم باشد بر سرم آید» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ص ۲۸۰-۲۸۱). حجاج در طی نامه‌ای از خالد خواست تا پناهندگان مکه را دستگیر و به نزد او بفرستد. لذا خالد مجاهد و طلق بن حبيب و سعید بن جبیر را دستگیر کرده و نزد حجاج فرستاد. طلق در میانه راه فوت کرد و مجاهد زندانی شد و سعید بن جبیر فرمان قتل برایش صادر گردید (همان).

ساکت نشستند و علی‌رغم خفقان و فشارهای شدید، قیام‌ها و شورش‌هایی علیه دستگاه حاکمه اموی شکل گرفت؛ مانند: قیام عاشورا توسط حسین بن علی علیه السلام، قیام مردم مدینه، قیام توابین، قیام مختار، شورش عبدالله بن زبیر، شورش ابن‌شعث. البته اگرچه این قیام‌ها و شورش‌ها منجر به کشته شدن رهبران قیام و شکست قیام‌ها شد؛ لکن هریک از آنها در ایجاد تحول در جامعه تأثیر شایسته و بسزایی داشتند.

سعید بن جبیر نیز یکی از مصلحان و شخصیت‌های آن دوران است که اوضاع سیاسی - اجتماعی آن دوره را بر نمی‌تافت و از هر کوششی در راستای اصلاح وضعیت سیاسی - اجتماعی آن عصر، فروگذار نمی‌نکرد. او همانند عرصه علم و دانش، در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز فعال بود. برخی از این فعالیت‌ها عبارتند از:

الف) وی به‌منظور کم کردن فشار و سختی از دوش مردم و دفاع از حقوق و جلوگیری از پایمال شدن حق ایشان، برای مدتی همکاری در دستگاه قضا در حکومت عبدالملک بن مروان به‌عنوان کاتب عبدالله بن عتبّه (قاضی کوفه) و سپس نویسندگی *ابی‌برده* (که قاضی بود) را پذیرفت، بعد از آن به‌جهت همکاری با ابن‌شعث فرار کرد (تمیمی بستی، ۱۳۹۸ق، ج ۴، ص ۲۷۵؛ مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۲۳). باید توجه داشت که ورود برخی شیعیان به دستگاه خلافت و حکومت امویان یا عباسیان، توسط ائمه علیهم‌السلام به افراد موثق و قابل اطمینان پیشنهاد می‌شده است. با این کار، علاوه بر اینکه به‌تحوی از اوضاع و احوال درون حکومت آگاه می‌شده‌اند، مقداری از فشار و سختی از روی دوش مردم، به‌ویژه شیعیان برداشته می‌شده است. لذا این همکاری به‌منزله مقبولیت حکومت اموی و موجب‌بودن شخصیت حاکمان آن، نزد سعید بن جبیر نبوده است.

ب) مشارکت در شورش عبدالرحمن ابن‌شعث علیه حجاج. در منابع تاریخی، از میان قیام‌ها و شورش‌های متعددی که در دوران سعید رخ داده، تنها از مشارکت و نقش‌آفرینی وی در شورش ابن‌شعث علیه حجاج و براندازی حکومت عبدالملک سخن به‌میان آمده است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ص ۲۸۰-۲۸۱). ابن‌شعث توانست در این شورش، بسیاری از مردم و قاریان قرآن، از جمله ابن‌قرآء، حسن بصری، شعبی، ابراهیم نخعی، سعید بن جبیر و... را با خود همراه کند (لیثی عنصری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ ابن‌قتیبه دینوری، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۴۱). این شورش به درگیری‌های متعددی بین دو لشکر انجامید. سرانجام در محلی به‌نام دیر

۵. بعد فکری - فرهنگی سعیدبن جبیر

گفته شد که دوران حیات سعیدبن جبیر، تماماً مصادف با حکومت امویان بود. امویان علاوه بر بدعت‌هایی که در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی بنا نهادند، در حوزه مسائل فکری - فرهنگی نیز دگرگونی‌ها و بدعت‌هایی را پدید آوردند؛ و علی‌رغم آن همه رنج و زحمتی که رسول خدا ﷺ برای اصلاح و ارتقاء وضعیت فکری و فرهنگی مسلمانان متحمل شد، با روی کار آمدن امویان، جامعه اسلامی به لحاظ فکری و فرهنگی به عصر جاهلیت سوق داده شد.

بررسی اوضاع فکری و فرهنگی دوران سعید حاکی از آن است که جریانات فکری متعددی در آن عصر ظهور و بروز پیدا کرده بودند که اختلافات زیادی با یکدیگر داشتند و همین امر به تشنج اوضاع فکری جامعه اسلامی دامن می‌زد. در میان پیروان اهل بیت ﷺ، گروه‌هایی مانند امامیه، کیسانیه و غالیان شکل گرفته بودند. در میان غیر پیروان اهل بیت ﷺ نیز گروه‌هایی مانند مرجئه، قدریه، جبیره (جهمیه، نجاریه و ضراریه) و خوارج پدید آمده بودند. علاوه بر این گروه‌ها و فرقه‌ها، پیروان سایر ادیان، مانند یهودیان، مسیحیان، رزشتیان، زنادقه، مزدکیان و مانویان نیز در جامعه اسلامی دارای فعالیت‌های فکری و فرهنگی بودند. برخی از این گروه‌های منحرف، به‌خواست خلفای اموی و با انگیزه سرپوش نهادن بر روی منکرات آنها و بستن باب هرگونه انتقاد از ناحیه مردم، پدید آمده بودند.

در مراکز علمی آن دوران نیز که عمدتاً شامل شهرهای حجاز و عراق می‌شدند، علومى مانند تفسیر، حدیث، کلام، فقه، تاریخ‌نگاری، علوم طبیعی (شیمی، طب و...)، هنر (معماری، موسیقی، خوش‌نویسی و نقاشی)، آموزش داده می‌شدند (ابن‌خلدون، بی‌تا، ص ۳۳۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۷۵؛ پرایس، ۱۳۴۷، ص ۴۸-۵۰؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۲؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۳؛ جعفری، ۱۳۷۱، ص ۲۱۱؛ کونل، ۱۳۴۷، ص ۲۱۵؛ مشحون، ۱۳۷۳، ص ۸۰). برخی از این علوم که مورد علاقه خلفای اموی و فرزندان‌شان بود، رو به توسعه و پیشرفت بود؛ اما علوم اسلامی مانند: فقه و حدیث به دلیل منع از نقل حدیث نبوی و همچنین دور ماندن از آموزه‌های اهل بیت ﷺ دست‌خوش دگرگونی شده بودند.

فعالیت‌های فرهنگی سعیدبن جبیر نیز متناظر با همین اوضاع و شرایط جامعه اسلامی بود. برخی از این فعالیت‌ها و اقدامات عبارتند از: الف) مبارزه با انحرافات فکری و اعتقادی. سعیدبن جبیر هماهنگ با

اهل بیت ﷺ، به‌ویژه امام سجاد ﷺ و پیروان ایشان، در برابر انحرافات فکری و فرهنگی جامعه اسلامی ساکت نبود و اقدام به مبارزه در جبهه فرهنگی و برخورد با صاحبان عقاید باطل و انحرافی کرد. از جمله در خبری آمده است که سعیدبن جبیر فردی به نام/یوب را از مجالست و همشینی با طلق‌بن حبيب برحذر کرد؛ چراکه طلق خود را به ارجاء منتسب می‌کرد (ابن‌سعد، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۲۲۷-۲۲۸). از این خبر به‌دست می‌آید که سعیدبن جبیر مخالف اعتقاد ارجاء بوده است.

همچنین سعید مخالف با دیدگاه قائلان به جسمانیت خداوند سبحان بود. او در پاسخ به سؤالی که از آیه «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم: ۴۲) از وی شد، بسیار خشمگین گشت و گفت: «گروهی گمان می‌کنند که خدا ساقش را نمایان ساخته، درحالی‌که مقصود آیه، پرده‌برداشتن از امر شدید است» (اصبهانی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۸).

سعیدبن جبیر مخالف عقیده قدریه نیز بود و درباره آن، به روایت حضرت علی ﷺ یعنی: «احدی از قدریه نیست؛ جز اینکه از ایمان خارج شده است» (صدوق، ۱۴۱۰ق، ص ۲۱۳) تمسک می‌جست و آن را نقل می‌کرد.

وی علاوه بر مسائل اعتقادی و کلامی، در مسائل فقهی نیز دارای دیدگاه‌هایی بود. مثلاً درباره «متعه» می‌گفت: «متعه حلال‌تر از نوشیدن آب است» (محدث نوری، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۴۸۱).

یکی دیگر از اقدامات خلفای اموی برای تحریف افکار و عقاید مردم، سرگرم کردن مردم به قصه‌های غیرواقعی بود؛ اما در این زمینه نیز سعیدبن جبیر ساکت ننشست. وی روزی دوبار، پس از نماز صبح و نماز عصر به گفتن قصص قرآنی برای مردم می‌پرداخت و از این طریق نقش خود را در خنثاسازی توطئه امویان در انحراف فکری جامعه، ایفا می‌کرد (ابن‌سعد، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۴۸۶).

ب) نقل روایات پیامبر ﷺ و احادیث اهل بیت ﷺ. در آن شرایط بحرانی که خلفای اموی همگان را از نقل روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ منع کرده بودند، علی‌رغم مخالفت یاران و دوستان و شاگردان، سعیدبن جبیر از نقل و انتقال احادیث و روایات معصومان ﷺ ساکت نماند و بیان حدیث را برای مردم بهتر از به‌گور بردن آن می‌دانست (همان). براساس اسناد تفسیر طبری، افرادی که از سعیدبن جبیر بدون واسطه نقل حدیث و روایت کرده‌اند، بالغ بر ۱۲۶ نفر می‌رسند. برخی از ایشان عبارتند از: ابوبشر جعفر بن ابی‌وحشیه (۱۰۵ روایت)؛ جعفر بن ابی‌المغیره (۸۲ روایت)؛ عطاءبن

تو و مادرت هر دو شقی هستید!
 تو عالم به غیب نیستی؛ بلکه کس دیگری از غیب آگاه است!
 مزه مرگ را به تو می‌چشانم.
 در این صورت نام‌گذاری مادرم در مورد من درست بوده است.
 دنیای تو را به جهنم سوزان مبدل می‌کنم!
 اگر می‌دانستم این کار به دست توست، تو را به خدایی
 می‌پذیرفتم.

عقیده‌ات دربارهٔ محمد چیست؟
 او پیامبر رحمت و پیشوای امت است.
 عقیدهٔ تو دربارهٔ علی چیست؟ او در بهشت است یا در جهنم؟
 اگر در بهشت و جهنم رفتن، آنگاه جواب تو را خواهیم داد.
 عقیده‌ات دربارهٔ خلفا چیست؟
 من و کیل مدافع آنان نیستم.
 کدام‌یک را بیشتر دوست می‌داری؟
 آنکه خدا از او خشنود و راضی باشد.
 کدام‌یک از آنان رضایت خدا را بهتر به دست آورده است؟
 العلم عندالله؛ او آگاه به اسرار است.
 نمی‌خواهی مرا تصدیق کنی؟
 نمی‌خواهم دربارهٔ تو دروغ گفته باشم.
 از اینها بگذریم، چرا نمی‌خندی؟
 چگونه خندیدن برای مخلوقی که از خاک آفریده شده است و

آتش او را می‌خورد، رواست؟
 آیا چیزی از لپه و لعب می‌دانی؟
 چیزی نمی‌دانم.
 حجاج دستور داد تا نی و عود بیاورند؛ هنگامی که نی زدند و عود
 نواختند، سعید شروع به گریه کرد.

حجاج گفت: چه چیزی تو را به گریه واداشت؟
 ای حجاج! کار بزرگی را به یادم آوردی.
 چه کاری را به یادم آوردی؟
 این آواز، آدمی را به یاد «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ» (نمل: ۸۷) (روزی
 که در صور دمیده می‌شود) می‌اندازد؛ اما عود و نی به همراه تو در روز
 قیامت محشور می‌شوند؛ عود سخن حقی را به تو می‌رساند.

وای بر توای سعید؛ تو را می‌کشم!
 برکسی که از جهنم بیزار است و وارد بهشت می‌گردد، باکی نیست.

سائب (۷۲)؛ منصور بن المعتمر (۱۹ روایت)؛ داود بن ابی‌هند (۱۶)
 روایت)؛ منهال بن عمرو (۱۲ روایت)؛ خصیف بن عبدالرحمن جزری
 (۱۰ روایت) (ترندک، ۱۳۷۸، ص ۲۲). یوسف المزنی نیز به صد نفر
 از راویانی که از سعید بن جبیر روایت نقل کرده‌اند، اشاره کرده است.
 حدود چهل و سه نفر از ایشان در طریق روایات تفسیر طبری موجود
 هستند (مزی، ۱۹۹۴، ج ۷، ص ۱۴۳-۱۴۴).

ج) مناظرهٔ فکری و اعتقادی. یکی دیگر از فعالیت‌های فکری و
 فرهنگی سعید بن جبیر مناظره با صاحبان افکار باطل و انحرافی بود.
 از جمله این مناظرات، مناظرهٔ سعید با یکی از سنگ‌دل‌ترین عمال
 اموی؛ یعنی حجاج بن یوسف ثقفی است. مناظره‌ای که بعد اعتقادی
 در آن پررنگ‌تر از بعد سیاسی به نظر می‌رسد و در آن اوج ایمان
 سعید بن جبیر به خدا و اعتقادش به آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، به‌روشنی
 هویداست. این مناظره به دلیل تفاوت در دیدگاه علت شهادت
 سعید بن جبیر، در منابع به دو گونه نقل شده است:

دیدگاهی که علت شهادت سعید بن جبیر را همراهی و مشارکت
 او در فتنه ابن‌شعث می‌داند، به‌گونه‌ای به این مناظره و گفت‌وگو
 پرداخته که تا حدی حجاج را حق به‌جانب معرفی کرده؛ اما سعید بن
 جبیر را به‌لحاظ تقوا و جایگاه او به‌عنوان یک تابعی و مفسر،
 مستوجب مرگ نمی‌داند (ابن‌سعد، ۱۴۱۶ق، ج ۶ ص ۴۸۹؛ ابن‌قتیبه
 دینوری، ۱۹۹۲، ص ۴۴۵؛ ابوالفداء، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۶؛ ابن‌اثیر،
 ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۱۳۰).

دیدگاه دوم که علت شهادت سعید بن جبیر را دوستی اهل بیت علیهم‌السلام
 و تشیع وی می‌داند (حلو، ۱۴۳۵ق، ج ۳، ص ۳۱۱؛ کشی، ۱۴۳۰ق،
 ج ۲، ص ۱۱۹؛ ابن‌داوود حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۳). امام
 صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «سعید بن جبیر به امامت علی بن
 الحسین علیه‌السلام معتقد و در صراط مستقیم بود، و حجاج به‌همین دلیل او
 را کشت» (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۳۵).

برای حُسن ختام این مقاله، مناظره سعید با حجاج را براساس
 دیدگاه دوم نقل می‌کنیم:
 حجاج: اسمت چیست؟
 سعید: سعید بن جبیر.

نه، تو شقی بن کسیر هستی (حجاج نام سعید بن جبیر را عکس
 کرد تا او را تحقیر کند)
 مادرم نام من و پدرم را بهتر از تو می‌دانست.

درحالی که دست‌هایت به خون من آغشته است، مرا ملاقات کنی. سرانجام سر سعید را از بدنش جدا کردند. درحالی که سر روی زمین آغشته به خون گردیده بود، کلمه مبارکه «لا اله الا الله» را تکرار می‌کرد. سر ساکت نشد، تا اینکه حجاج پای روی دهان غرقه به خون سعید نهاد؛ آنگاه سر سعید از ذکر بازماند (ابن قتیبه دینوری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۶۳-۶۱؛ ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ج ۶ ص ۴۹۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۹۹-۹۸؛ ذهبی، ۱۹۸۰، ج ۶ ص ۳۶۶-۳۶۹).

نتیجه‌گیری

براساس شواهد و قرائن موجود که مورد استدلال قرار گرفت، تشیع سعیدین جیبیر به دست آمد و با جمع‌بندی دیدگاه‌ها درباره زمان و مکان شهادت سعید، به دست می‌آید که وی در سال ۹۵ هجری در شهر واسط عراق به دستور حجاج بن یوسف ثقفی و با دست جلاد او، سر از بدنش جدا گردید.

سعیدین جیبیر از شیعیان خاص امام سجاد^ع بوده است و از جهت علمی و عملی مورد تمجید علمای شیعه و سنی بوده است. در سن نوجوانی برای کسب علم از محضر امام سجاد^ع و برخی صحابی پیامبر اکرم^ص از کوفه به مدینه هجرت کرد و بیشترین علم خود را از محضر ابن عباس کسب کرد. در بعد علمی در زمینه‌های علم تفسیر، قرائت و... بسیار فعال بود. همچنین در بعد معنوی در زمینه انجام اعمال عبادی از جمله نماز، حج و... و سجایای اخلاقی، سرآمد برخی از افراد دوران خود بود.

دوران حیات و زندگی سعیدین جیبیر تماماً مصادف با حکومت امویان بود. خلفای هم عصر سعیدین جیبیر عبارت بودند از: معاویه، یزید، مروان، عبدالملک و ولید که همگی اهل ظلم و فساد بودند. یکی از کارگزاران دستگاه اموی به نام حجاج در طی بیست سال حکومت بر عراق جنایات بسیاری در قبال مسلمانان مرتکب شد. دوران زندگی سعیدین جیبیر به لحاظ سیاسی، دوره قیام‌ها و شورش‌های مختلف علیه دستگاه بنی‌امیه بود. به لحاظ وضعیت اجتماعی، جامعه آن عصر از چهار طبقه تشکیل شده بود و حکام اموی، تبعیض نژادی و قومی و قبیله‌ای را رواج داده بودند. همچنین تحمل‌گرایی و دنیاپرستی در دربار اموی در زندگی برخی از مردم رسوخ پیدا کرده بود. با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی، سعیدین جیبیر نقش‌هایی در جامعه اسلامی عصر خود ایفا کرد؛ از جمله

بالاخره حجاج دستور داد او را پای دار بردند. سعید در چنین اوضاع و احوالی دست نیاز برداشته، با خدای خود چنین نجوا می‌کرد: «اللهم لاتسلطه علی احد...»؛ خدایا این جانی را پس از من بر احدی مسلط مگردان.

دعای سعید در حق او مستجاب شد و حجاج پس از قتل سعید، آب خوش نخورد و در بدترین وضع به درک واصل شد.

پس از آنکه سعید خود را آماده شهادت کرد، حجاج به او گفت: تو را می‌کشم، حال نوع کشتن را خودت انتخاب کن!

سعید گفت: تو مختاری؛ زیرا به خدا سوگند! به هر نحوی مرا بکشی، خدا هم تو را به بدترین وضع خواهد کشت!

حجاج گفت: منظورت این است که تو را عفو کنم؟

سعید گفت: اگر عفو شدم، خدا بر من منت نهاده است و تو تیره‌ه نخواهی شد.

حجاج گفت: او را با شمشیر بکشید!

سعید خندید!

حجاج پرسید: برای چه خندیدی؟

از جسارت تو بر خدا و حلم او نسبت به تو خندیدم!

هرچه زودتر گردن او را از بدنش جدا کنید.

سعید جهت اقامه نماز رو به قبله کرد و این آیه مبارکه را زیر لب زمزمه کرد: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلذِّیْ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۷۹) (من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده؛ من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم).

حجاج مانع از نماز خواندن سعید شد و گفت: او را در جهت مخالف قبله قرار دهید.

وقتی صورتش را از قبله برگرداندند، این آیه را تلاوت کرد: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵)؛ و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست.

حجاج گفت: صورتش را بر زمین بگذارید. چنین کردند.

سعید نیز این آیه را قرائت کرد: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه: ۵۵)؛ شما را از آن (زمین) آفریدیم و در آن بازمی‌گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم.

حجاج دستور ذبح او را داد.

سعید گفت: بعد از شهادتین، جانم را بگیر تا روز قیامت

منابع.....

- آقازرگ طهرانی، محمدحسن، ۱۳۷۲، ترجمه و تخلص الذریعه الی تصانیف الشیعه، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ابن ابی‌الحدید، عزالدین بن هبة‌الدین، ۱۳۸۰ق، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۸۵ق، الکامل فی التاریخ، چ دوم، بیروت، دارالصادر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، ۱۴۳۳ق، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، چ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، بی تا، مقدمه ابن خلدون، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، ۱۳۸۱، منظر الانسان (ترجمه و فیات الاعیان و انباء الابدان الزمان)، ترجمه شجاع سنجرى و احمد بن محمد بن عثمان بن علی احمد، ارومیه، دانشگاه ارومیه.
- ، ۱۹۹۴م، وفيات الاعیان و اتباع انشاء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالصادر.
- ابن داوود حلّی، تقی‌الدین، بی تا، الرجال، تحقیق سیدمحمدصادق آل بحر العلوم، قم، شریف الرضی.
- ابن سعد، محمد بن سعد، ۱۳۷۴، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- ، ۱۴۱۶ق، الطبقات الکبری، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، ۱۹۹۰م، الامامة و السیاسة، تحقیق علی شیری، بیروت، شریف الرضی.
- ، ۱۹۹۲م، المعارف، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ، ۱۳۶۸، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ سوم، تهران، نشر نی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۳ق، البدایة و النهایة، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۶۶، کتاب الفهرست، ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد، تهران، امیرکبیر.
- ابوالفداء اسماعیل بن علی، ۱۴۱۷ق، تاریخ ابی‌الفداء (المسمى المختصر فی أخبار البشر)، تحقیق محمود دیوب، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، ۴۱۵ق، الاعانی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- اصفهانی، احمد بن عبدالله، ۱۴۰۷ق، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت، دارالفرک.
- امین، حسن، ۱۳۶۷، مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، بی تا، التاریخ الکبیر، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- پرایس، کریستین، ۱۳۴۷، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه محمود رجب‌نیا، چ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ترندک، جواد، ۱۳۷۸، تفسیر سعیدبن جبیر و نقش آن در تطور تفسیر، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه قم.

پذیرفتن همکاری با دستگاه قضا برای برداشته شدن فشار از روی مردم و نیز مشارکت در شورش ابن‌شعث علیه حجاج به منظور ریشه کنی ظلم و فساد حاکم بر جامعه. البته شورش به دست حجاج سرکوب شد و منجر به متواری شدن سعیدبن جبیر و برخی دیگر و پناه بردن به مناطق و شهرهای دیگر شد.

وضعیت فکری و فرهنگی دوران زندگی سعیدبن جبیر دچار تحریف و انحراف شده بود. جامعه آن دوره به لحاظ فکری و اعتقادی به گروه‌های مختلف تقسیم شده بود که برخی مقابل امویان؛ و برخی دیگر همراه امویان بودند. به سبب زیاد بودن ارتباط جامعه اسلامی با سایر ملل در این دوره، علوم مختلفی وارد عرصه علمی و فرهنگی جامعه اسلامی شد که برخی از این علوم به واسطه علاقه حکام اموی و فرزندانشان در جامعه رواج بیشتری داشتند و حتی کتاب‌های آن علوم به زبان عربی نیز ترجمه می‌شد. برخی از علوم مانند علم حدیث، توسط علمای درباری مطابق خواسته خلفا و برخلاف روایت پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت ﷺ بیان و نگاشته می‌شد. در این شرایط انحراف فکری و فرهنگی، سعیدبن جبیر به شکل‌های مختلف با افکار و عقاید انحرافی مقابله کرد. از دیگر اقدامات وی در این زمینه، مناظره علمی و اعتقادی با حجاج بود که سرانجام به واسطه ایمان کامل و پافشاری بر اعتقاداتش، به دستور حجاج به شهادت رسید.

- تمیمی بستنی، ابی حاتم، ۱۳۹۸ق، *التفات*، حیدرآباد دکن هند، دارالفکر.
- جعفری، یعقوب، ۱۳۷۱، *مسلمانان در بستر تاریخ*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- چلونگر، محمدعلی و پروین اصغری، ۱۳۹۶، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جهان اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسن، ابراهیم حسن، ۱۳۸۶، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش.
- حلو، سیدمضر، ۱۴۳۵ق، *اعلام الکوفه*، بیروت، دار المورخ العربی.
- حیدر، اسد، ۱۴۰۳ق، *الامام الصادق و المناهب الاربعه*، بیروت، دارالکتب العربی.
- خوانساری اصفهانی، محمداق، ۱۳۶۰، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- ذهبی، شمس الدین، ۱۴۲۸ق، *تذکره الحفاظ*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____، ۱۹۸۰م، *تاریخ الاسلام و وقیات المشاهیر و الاعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- راجحی، عبده، ۱۹۶۹م، *اللهجات العربیه فی القراءات القرآنیه*، مصر، دارالمعارف.
- راد، علی و مریم ولایتی، ۱۳۹۷، «گفتمان کاوی تفسیر شیعه در کوفه؛ بازپژوهی اندیشه‌های تفسیری سعیدبن جبیر»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دوره پانزدهم، ش ۱ (۳۷)، ص ۱۴۱-۱۶۷.
- رازی، ابن ابی حاتم، ۱۹۵۲م، *الجرح و التعذیل*، قاهره، دارالکتب الاسلامی.
- زرکلی، خیرالدین، ۱۹۹۰م، *الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*، چ نهم، بیروت، دار العلم للملایین.
- سیوطی، عبدالرحمن، ۱۴۰۱ق، *الجامع الصغیر فی الاحادیث البشیر النذیر*، بیروت، دارالفکر.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، تصحیح حسن اعلمی، چ چهارم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۵۳، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۱، *رجال الطوسی*، تحقیق محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، منشورات مکتبه و المطبعة الحیدریه.
- _____، ۱۴۰۴ق، *اختیار معرفه الرجال برجال الکشی*، تصحیح و تعلیق معلم ثالث میرداماد استرآبادی، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، مؤسسه آل‌البیته لاحیاء التراث.
- _____، ۱۴۲۸ق، *اختیار معرفه الرجال*، تصحیح حسن مصطفوی، چ پنجم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- عالمی دامغانی، محمدعلی، ۱۳۶۸، *تساگردان مکتب ائمه*، بی‌جا، بی‌تا.
- عطاردی، عزیزالله، ۱۳۷۹، *مسند الامام السجاد ابی محمد علی بن الحسین*، تهران، عطارد.
- قاسم‌نژاد، زهرا، بی‌تا، *بررسی جواب مختلف تفسیر سعیدبن جبیر*، رساله دکتری، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- قسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان، ۱۴۰۱ق، *المعرفه و التاریخ*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- کاتب واقدی، عمر بن سعد، ۱۳۷۹، *طبقات*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- کراچی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، تحقیق عبدالله نعمت، قم، دار الذخائر.
- کشی، محمدبن عمر، ۱۴۳۰ق، *رجال کشی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- کونل، ارنس، ۱۳۴۷، *هنر اسلامی*، ترجمه هوشنگ طاهری، چ دوم، تهران، مشعل آزادی.
- گوهری فخرآبادی، سمانه، ۱۳۸۹، *مقایسه روایات تفسیری سعیدبن جبیر با روایات منقول از ائمه*، صحابه و تابعین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- لیثی عنصری، خلیفه‌بن خیاط، ۱۴۱۵ق، *تاریخ خلیفه‌بن خیاط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مالک اشعری قمی، حسن بن محمد، ۱۳۵۸، *تاریخ قم*، ترجمه تاج‌الدین حسن بن عبدالملک قمی، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- محدث نوری، حسین بن محمد، ۱۴۲۹ق، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیته لاحیاء التراث العربی.
- مدرسی طباطبایی، حسین، ۱۳۸۶، *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، ترجمه رسول جعفریان، تهران، مورخ.
- مزی، جمال‌الدین، ۱۹۹۴م، *تهذیب الکمال فی اسماء الرجال*، بیروت، دارالفکر.
- مسعودی، حسین بن علی، ۱۳۷۴، *مروج الذهب*، ترجمه ابو القاسم پاینده، چ پنجم، تهران، علمی و فرهنگی.
- مشحون، حسن، ۱۳۷۳، *تاریخ موسیقی ایران*، چ سوم، تهران، سیمرغ.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، ۱۳۷۴، *آفرینش و تاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه.
- _____، بی‌تا، *البدء و التاریخ*، چ سوم، بی‌جا، مکتب الثقافه الدینیّه.
- نوری، جلال‌الدین، ۱۳۶۳، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ دوم، قم، منشورات الرضی.